



به پایان می‌رسد و طرف‌های درگیر به تفاهمی می‌رسند. بنابراین دیپلماسی در هیچ شرایطی، حتی در بحبوحه بزرگ‌ترین جنگ‌ها هم تعطیل نمی‌شود؛ در تاریخ دیده‌ایم که وقتی جنگ در جبهه جریان داشته، به طور موازی دیپلماسی تلاش می‌کند به طور مستقیم یا از طریق واسطه‌ها جنگ را پایان بدهد.»

او ادامه داد: «در مورد بحران جاری، قضیه دارای دو بُعد است. یک طرف رژیم صهیونیستی است که قاعدتاً ما هیچ امکان برقراری دیپلماسی و تماس مستقیم با آن‌ها نداریم. طرف دیگر درگیری هم آمریکا است که اقدامی غیر متعارف انجام داد و خودش را با نتانیاهو پیوند زد. این شاید یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات دونالد ترامپ بود. نخست‌وزیر اسرائیل توانست بر عقل ترامپ سوار شود و او را مدیریت کند. آن‌ها هم به فردو، نظنز و اصفهان که تاسیسات هسته‌ای ایران قرار داشت، حمله کردند. علی‌رغم تمام این مسائل، معتقدم درهای دیپلماسی نباید بسته شود چون آنچه من می‌بینم این است که تنها راه برون‌رفت از بحران کنونی، از دیپلماسی می‌گذرد و مذاکره نیز یکی از ابزار این عرصه است. وقتی می‌گوییم دیپلماسی، به برخی آن را مساوی مذاکره می‌گیرند در صورتی که این تعریف درست نیست. دیپلماسی مولفه‌های متعددی دارد که مذاکره یکی از آن‌هاست که برای دستیابی به اهداف انجام می‌شود. بنابراین، به‌رغم اتفاقاتی که افتاد و ایران باید اقدامات حقوقی برای پیگیری آن را انجام بدهد و موضوع حمله به سایت‌های هسته‌ای را رها نکند، درهای مذاکره نباید بسته‌شود.»

این تحلیلگر ارشد سیاست خارجی تأکید کرد: «به‌نظر وزیر خارجه رویکرد خوبی را مطرح کرد. اینکه کار باید چگونه و از کجا شروع شود، موضوعی دیگر است. در مورد مذاکراتی که با آمریکایی‌ها پشت سر گذاشتیم، یک اختلاف تحلیل وجود دارد. بعضی می‌گویند شروع این مذاکرات یک بازی بود که ایران را فریب‌دهند و هماهنگ با اسرائیل پیش‌رفتند و به‌نظامی‌گری رسید. این تحلیل بدبینانه است. تحلیل خوشبینانه این است که ترامپ از زمانی که مذاکره را شروع کرد، واقعاً به دنبال خروج از این بن‌بست با استفاده از دیپلماسی بود. یک نظریه میانه نیز وجود دارد که می‌گوید تحلیل خوشبینانه دوم صحیح است اما به علت پیوندهای ناگسستنی میان آمریکا و اسرائیل و نفوذ گسترده و بسیار بسیار عمیق اسرائیل در لایه‌های مختلف حکومت در آمریکا، پازل به گونه‌ای چیده شد که در نهایت توافق به این سمت برود. فراموش نکنیم که وزیر دفاع، مشاور امنیت ملی و وزیر دفاع آمریکا در زمره هاوک‌های جمهوری خواه قرار می‌گیرند و از چهره‌های تند علیه ایران هستند. بسیار طرفدار اسرائیل هستند. این تحلیل می‌گوید آن‌ها توانستند مسیر را به گونه‌ای بچینند که با هدایت اطلاعات و کانالیزه کردن اخبار که بیشتر از طریق منابع موساد و نتانیاهو می‌آمد، ترامپ را متقاعد کنند که این حمله انجام‌شود. من شخصاً با تحلیل سوم موافق هستم. با این تحلیل، به‌نظم باید نتانیاهو و ترامپ را تفکیک کنیم و نگذاریم بیش از این، نتانیاهو و تیم امنیتی نظامی حاکم بر تل‌آویو، این صحنه را بازگردانی کنند.»

این دیپلمات پیشین در مورد همکاری‌های منطقه‌ای برای مدیریت شرایط گفت: همکاری منطقه‌ای به‌طور مشخص با کشورهای خلیج فارس که در حال حاضر نقش آفرینی‌هایی می‌کنند، الزاماً منجر به خروج از بحران نمی‌شود. به خاطر این که بازیگران اصلی این بحران آمریکا و اسرائیل هستند و کشورهای عربی هیچ گونه نفوذی بر این دو بازیگر ندارند. هیچ اهرمی برای کنترل آن‌ها ندارند. برعکس، آمریکا و اسرائیل می‌توانند بر آن‌ها تأثیر بگذارند. چرا که با بعضی از آن‌ها، روابط عمیق اطلاعاتی و امنیتی، با برخی روابط اقتصادی و با برخی هر دو نوع رابطه را دارند. به همین دلیل، می‌توانند آن‌ها را خنثی کنند. اما یک چیز مشخص است. این که منطقه جنگ نمی‌خواهد و در حداقلی‌ترین حالت ممکن، به دنبال تشدید تنش نیست. به خاطر این که احساس می‌کنند جنگ بر خلاف برنامه‌های توسعه‌آن‌هاست. بنابراین، اگر آن‌ها تالاشی می‌کنند به دلیل احساس خطر درباره امنیت و برنامه‌های توسعه خودشان است. تالاش‌هایی که ما هم از آن قدردانی می‌کنیم. نکته مهم‌تر این است که به‌رغم تمام تحولات میان کشورهای عربی و اسرائیل، آن‌ها در نهایت با اسرائیل همدل و همراه نیستند. همانطور که با ایران هم همراه نیستند اما رفتار اسرائیل را در غر، سوریه، لبنان

انداختن این امنیت، نباید به هیچ‌کس مماشات و ملاحظه کرد. اما این شرایط به معنای آن نیست که نظم‌های حقوقی مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گیرد. بیابانه و کلا از این جهت قابل از بیایی است.»

او افزود: «از منظر حقوقی، امضاکنندگان بیابانه دستاورد امنیت که آرامش شهروندان را تأمین می‌کند را مورد توجه قرار داده‌اند و ضمن سپاس از عزیزانی که در تأمین امنیت ملی و شهروندی کوشش می‌کنند، استدعا دارم که موازین دادرسی منصفانه مورد توجه قرار گیرد. نکته دیگر این است که قانونگذار باید حکمبانه رفتار کند و حکمت قانونگذار در جایی خود را نشان می‌دهد که دچار کمال گرایی صرف در مسائل حقوقی نشود تا بتواند از حد هنگامه‌های جنگ و ناامنی نقض حقوقی را مورد توجه قرار دهد. حقوق‌دانانی که دست به انتقاد و پردازش این قانونگذاری عجولانه زندن شاید از این منظر قابل اهمیت باشد که آنها قانونگذار را به اصل حکمت توصیه کردند و خواهش آنها این است که در دسترسی به عدالت نباید موازین دادرسی منصفانه به‌ویژه حق دفاع و اصول رسیدگی بی‌طرفانه توأم با اصل تجدیدنظر خواهی مورد بی‌مهری قرار گیرد و از حیث عدالت کیفری، شاخص‌هایی که می‌تواند شرایط را برای تحقق اصل ۹ قانون اساسی ایجاد کند مورد بی‌مهری قرار نگیرد.» وی افزود: «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم» از یک طرف از نظر مبانی یک قانونگذاری درست و به‌هنگام در راستای حفظ امنیت نسبت به رژیم کودک‌کشی است که تمام موازین انسانی را در اقدامات تروریستی خود زیر پا می‌گذارد. از سوی دیگر، جرم‌انگاری‌های مبهم این مصوبه را به چالش کشیده؛ از این نظر که باید در قانونگذاری ابهام و برداشت‌های تفسیری را منکوب کنیم و زمینه قانونگذاری روشن، دقیق و فاقد امکان سوءبرداشت و سوءاستفاده را فراهم کنیم. استحکام یک قانون شاخص‌هایی است که دادرسی منصفانه را حتی در مورد افرادی که به شدت در چالش با جامعه هستند را مدنظر قرار دهد. همین مسئله ما را بر این داشت که با علم به وضعیت اضطراری کشور به قانونگذار توصیه کنیم که اصول و بنیادهای دادرسی منصفانه در محاکمات کیفری را در قانونگذاری مورد بی‌توجهی قرار ندهند و به اصول قانون اساسی در این مورد توجه کنند تا دچار دادرسی غیر منصفانه در این شرایط نباشیم.»

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار



گراهامبل توی هاگیر واگیر کار با دیپا‌زونی که بابت آموزش ناشن‌وایان در اتاقش بود فهمید که می‌شود صدا را با خطوط سیم پیام انتقال داد. او اما هرگز در مخیله‌اش نمی‌گنجد که روزی اختراعش تبدیل به بزرگترین دارایی یک زندانی شود. برای آنکه ملتفت عرایضم شوید، باید حبس کشیده باشید یا تجربه حضور عزیزتان در محبس داشته باشید که قدر این دستگاه انتقال پیام را بفهمید. وگرنه موقعیتی که از آن حرف می‌زنم برای کسی که موبایلش پر شالش باشد و ته تیش ارتباطش با جهان آزاد بابت شارژ نداشتن یا حتی قطع اینترنت جهانی مختل شود قابل قیاس نیست. توی زندان چیزی به اسم حریم به معنی واقعی کلمه وجود ندارد. رفیقم می‌گفت همه تصورشان از زندان این است که زندانی را جایی می‌اندازند که پر از در است اما خدا می‌داند که «من خیلی از روزهای حبس آرزویم این بود که دری باشد که پشت سرم ببندمش». زندانی توی زندان خیلی چیزها ندارد، در بسیاری از اتفاقات امکان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی ندارد. من زندان کشیده‌ام و صلاحیت ابراز نظر ندارم اما فعلاً نویسنده این یادداشتم پس به من باشد می‌گویم همه سختی‌های زندان یک‌طرف و گذشت زمان طرف دیگر. این ساعت لعنتی انگار کن که به دم عقربه‌اش وزنه آویزان کرده‌اند جلو نمی‌رود که نمی‌رود. نه اینکه نخواهد، می‌خواهد اما نمی‌تواند. رفیق دیگرم که او هم سال‌ها طعم زندان چشیده بود می‌گفت: «همه به این تلقن به چشم یک شی‌ای نگاه می‌کنند که صدای من را به دیگری می‌رساند اما تلقن توی زندان دریچه‌ای به جهان آزاد است». دریچه‌ای که هر روز ده دقیقه‌ه روی زندانی باز می‌شود و همین که می‌خواهد خوش‌خوشانش شود یک صدایی از ناکجا گوشزدش می‌کند که «این تماس از زندان اوین می‌باشد». یک لحظه به عکس نگاه کنید به رد هزاران هزار دستی که روی گوشی افتاده. به عکس نگاه کنید و به این فکر کنید که اگر این گوشی‌ها حافظه داشتند، چه دلنگی‌ها و چه حرف‌ها و چه خاطره‌ها که برای زدن نداشتند. به این فکر کنید که زندانی هر روز با چه شوقی تنها برای چند دقیقه گوشی به دست به دنیای آدم‌های آزاد سرک می‌کشیده. حالا یک دیوانه از خدا بی‌خبر به حرف خودش دوستی خاله خرسه کرده که صد البته نکرده. بمب روی سر زندان و زندانی و غیر زندانی انداخته و نه‌تنها جان ۷۹ نفر را بی‌جان کرده که حتی به دریچه‌ده دقیقه‌ای آزادی زندانی‌ها هم رحم نکرده. حالا دیگر از آن صدای آشنای ناآشنا هم که پشت تلقن، زندانی را از عالم خیال به واقعیت بر می‌گرداند خبری نیست. دیگر هیچ‌کسی پشت این تلقن نمی‌شود که این تماس از زندان اوین می‌باشد.



عکس: مهجید سعیدی

این تماس از زندان اوین «نمی‌باشد»

درباره عکس یک گوشی تلقن در آوار زندان اوین